

سوره مائده

مدنی - ۱۲۰ آیه

مقدمه

محتویات این سوره این سوره از سوره های مدنی است و ۱۲۰ آیه دارد و گفته اند پس از سوره فتح نازل شده است ، و طبق روایتی تمام این سوره در حجه الوداع و بین مکه و مدینه نازل شده است .

این سوره محتوی یک سلسله از معارف و عقائد اسلامی و یک سلسله از احکام و وظائف دینی است .

در قسمت اول به مساله ولایت و رهبری بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مساله تثلیث مسیحیان و قسمتهائی از مسائل مربوط بقیامت و رستاخیز و بازخواست از انبیاء در مورد امتهایشان اشاره شده است .

و در قسمت دوم ، مساله وفای به پیمانها، عدالت اجتماعی ، شهادت به عدل و تحریم قتل نفس (و به تناسب آن داستان فرزندان آدم و قتل هابیل بوسیله قابیل) و همچنین توضیح قسمتهائی از غذاهای حلال و حرام و قسمتی از احکام وضو و تیمم آمده است .

و نامگذاری آن به سوره مائده بخاطر این است که داستان نزول مائده برای یاران

مسیح - در آیه ۱۱۴ - این سوره ذکر شده است .

آیه : ۱

آیه و ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مَجْلَى
الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱)

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها و قراردادهای وفا کنید، چهار پایان (و جنین چهار پایان) برای شما حلال شده است مگر آنچه بر شما خوانده میشود (به جز آنها که استثناء خواهد شد) و صید را به هنگام احرام حلال نشمرید خداوند هر چه بخواهد (و صلاح ببیند) حکم میکند.

تفسیر:

لزوم وفا به عهد و پیمان

بطوری که از روایات اسلامی و سخنان مفسران بزرگ استفاده می شود، این سوره آخرین سوره (و یا از آخرین سوره هائی) است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است، در تفسیر عیاشی از امام باقر (علیه السلام)

نقل شده که حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: سوره مائده دو ماه یا سه ماه پیش از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید.

و اینکه در بعضی از روایات وارد شده که این سوره ناسخ است و منسوخ نیست، نیز اشاره بهمین موضوع است.

این سخن با مطلبی که در جلد دوم همین تفسیر در ذیل آیه ۲۸۱ سوره بقره گفته ایم که طبق روایات آیه مزبور آخرین آیه ای است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده منافات ندارد، زیرا اینجا سخن از سوره است و در آنجا سخن درباره یک آیه بود!

در این سوره - بخاطر همین موقعیت خاص - تاکید روی یک سلسله مفاهیم اسلامی و آخرین برنامه های دینی و مساله رهبری امت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شده است و شاید بهمین جهت است که با مساله لزوم وفا به عهد و پیمان، شروع شده، و در نخستین جمله می فرماید: ای افراد با ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید.

(یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود).

تا به این وسیله افراد با ایمان را ملزم به پیمانهای که در گذشته با خدا بسته اند و یا در این سوره به آن اشاره شده است بنماید، درست همانند این است که شخص مسافر در آخرین لحظات وداع به نزدیکان و پیروان خود تاکید می کند توصیه ها و سفارشهای او را فراموش نکنند و به قول و قراردادهائی که با آنها گذاشته است ، وفادار باشند.

باید توجه داشت که عقود جمع عقد در اصل بمعنی جمع کردن اطراف یک چیز محکم است ، و بهمین مناسبت گره زدن دو سر طناب یا دو طناب

را با هم عقد می گویند، سپس از این معنی حسی به مفهوم معنوی انتقال یافته و به هر گونه عهد و پیمان ، عقد گفته می شود، منتها طبق تصریح جمعی از فقهاء و مفسران ، عقد مفهومی محدودتر از عهد دارد، زیرا عقد به پیمانهای گفته میشود که استحکام کافی دارد، نه به هر پیمان و اگر در بعضی از روایات و عبارات مفسران ، عقد و عهد به یک معنی آمده است منافات با آنچه گفتیم ندارد زیرا منظور تفسیر اجمالی این دو کلمه بوده نه بیان جزئیات آن .

و با توجه به اینکه العقود - به اصطلاح - جمع محلی به الف و لام است و مفید عموم می باشد، و جمله نیز کاملاً مطلق است ، آیه فوق دلیل بر وجوب وفا به تمام

پیمانهای است که میان افراد انسان با یکدیگر، و یا افراد انسان با خدا، بطور محکم بسته می شود، و به این ترتیب تمام پیمانهای الهی و انسانی و پیمانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و تجاری و زناشوئی و مانند آن را در بر میگیرد و یک مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است. از پیمانهای فطری و توحیدی گرفته تا پیمانهای که مردم بر سر مسائل مختلف زندگی با هم می بندند.

در تفسیر روح المعانی از راغب چنین نقل شده که عقد با توجه بوضع طرفین، سه نوع است گاهی عقد در میان خدا و بنده، و گاهی در میان انسان و خودش، و گاهی در میان او و سایر افراد بشر بسته میشود (البته تمام این سه نوع عقد دارای دو طرف است منتها در آنجا که خودش با خودش پیمان می بندد، خویشتن را بمنزله دو شخص که طرفین پیمانند فرض می کند).

بهر حال مفهوم آیه بقدری وسیع است که عهد و پیمانهای را که مسلمانان با غیر مسلمانان می بندند نیز شامل می شود.

در آیه نکاتی است که باید به آن توجه کرد:

۱ - این آیه از جمله آیاتی است که در مباحث حقوق اسلامی در سرتاسر فقه به آن استدلال می کنند، و یک قاعده مهم فقهی که اصالة اللزوم فی العقود است از آن

استفاده میگردد، یعنی هر گونه پیمان و معاهده ای درباره اشیاء و یا کارها میان دو نفر منعقد گردد لازم الاجرا می باشد، و حتی - همانطور که جمعی از محققان نیز عقیده دارند - انواع معاملات و شرکتها و قراردادهائی که در عصر ما وجود دارد و در سابق وجود نداشته ، و یا اینکه بعدا در میان عقلا بوجود میاید، و بر موازین صحیحی قرار دارد، شامل میشود، و این آیه پای همه آنها صحه می گذارد (البته با در نظر گرفتن ضوابط کلی که اسلام برای قراردادها قائل شده است).

ولی استدلال به این آیه بعنوان یک قاعده فقهی دلیل بر آن نیست که پیمانهای الهی را که میان بندگان و خدا بسته شده است و یا مسائل مربوط به رهبری و زعامت امت که وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مردم گرفته شد، شامل نشود، بلکه آیه مفهوم وسیعی دارد که همه این امور را در بر می گیرد.

یادآوری این نکته نیز لازم است که لزوم وفاء به پیمانهای دو جانبه مادامی است که از یک طرف نقض نشده باشد، اما اگر از یک طرف نقض شود، طرف مقابل ملزم به وفاداری نیست ، و این از ماهیت عقد و پیمان افتاده است .

۲ - اهمیت وفای به عهد و پیمان مساله وفای به عهد و پیمان که در آیه مورد بحث مطرح است از اساسی ترین شرائط زندگی دست جمعی است و بدون آن هیچگونه همکاری اجتماعی ممکن نیست ، و بشر با از دست دادن آن زندگی اجتماعی و اثرات آن را عملا از دست خواهد داد، به همین دلیل در منابع اسلامی تاکید فوق

العادهای روی این مساله شده است و شاید کمتر چیزی باشد که این قدر گسترش داشته باشد، زیرا بدون آن هرج و مرج و سلب اطمینان عمومی که بزرگترین بلای اجتماعی است در میان بشر پیدا می شود.

در نهج البلاغه در فرمان مالک اشتر چنین می خوانیم :

فانه ليس من فرائض الله شىء الناس اشد عليه اجتماعا مع تفرق اهوائهم و تشتت آرائهم من تعظيم الوفاء بالعهود، و قد لزم ذلك المشركون فيما بينهم دون المسلمين لما استوبلوا من عواقب الغدر :

در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان - با تمام اختلافاتی که دارند - مورد اتفاق نیست بهمین جهت بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمانها را در میان خود محترم می شمردند زیرا عواقب دردناک پیمان شکنی را دریافته بودند.

و نیز از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

ان الله لا يقبل الا العمل الصالح و لا يقبل الله الا الوفاء بالشروط و العهود :

خداوند چیزی جز عمل صالح از بندگان خود نمی پذیرد و جز وفای به شروط و پیمانها را قبول نمی کند.

و از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: لا دین لمن لا عهد له : آن کس که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد.

و روی همین جهت ، موضوع وفای به عهد از موضوعاتی است که هیچگونه تفاوتی در میان انسانها درباره آن نیست خواه طرف پیمان مسلمان باشد یا غیر مسلمان و به اصطلاح از حقوق انسان است نه از حقوق برادران دینی :

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم :
ثلاث لم يجعل الله عز و جل لاحد فيهن رخصة : اداء الامانة الى البر و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر، و بر الوالدين برين كانا او فاجرين !:

سه چیز است که خداوند به هیچ کس اجازه مخالفت با آن را نداده است : ادای امانت در مورد هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و وفای به عهد درباره هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار.

حتی در روایتی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که اگر کسی با اشاره پیمانی را به عهده بگیرد باید به آن وفا کند:

اذا اومی احد من المسلمین او اشار الی احد من المشرکین فنزل علی ذلک فهو فی امان .

سپس به دنبال دستور وفای به پیمانها که تمام احکام و پیمانهای الهی را شامل می شود یک سلسله از احکام اسلام را بیان کرده ، که نخستین آن حلال بودن گوشت پاره ای از حیوانات است ، و می فرماید: چهار پایان (یا جنین آنها) برای شما حلال شده است (احلت لکم بهیمه الانعام).

انعام جمع نعم به معنی شتر و گاو و گوسفند است .

بهیمه از ماده بهمه (بر وزن تهمه) در اصل به معنی سنگ محکم است و به هر چیز که درک آن مشکل باشد مبهم گفته می شود، و بتمام حیوانات که دارای نطق و سخن نیستند، بهیمه اطلاق میشود، زیرا صدای آنها دارای ابهام است اما معمولاً این کلمه را فقط در مورد چهار پایان بکار می برند، و درندگان و پرندگان را شامل نمی شود.

و از آنجا که جنین حیوانات نیز دارای یکنوع ابهام است بهیمه نیز نامیده میشود.

بنابراین حلال بودن بهیمه انعام یا بمعنی حلیت تمام چهار پایان است (به استثنای آنچه بعد از آیه ذکر میشود) و یا بمعنی حلیت بچه هائی است که در شکم حیوانات حلال گوشت وجود دارد (بچه هائی که خلقت آنها کامل شده و مو و پشم بر بدن آنها روئیده است).

و از آنجا که حلیت حیواناتی مانند شتر و گاو و گوسفند قبل از این آیه برای مردم مشخص بوده ممکن است آیه اشاره به حلیت جنین های آنها باشد.

ولی آنچه در معنی آیه به نظر نزدیکتر میرسد این است که آیه معنی وسیعی دارد هم حلال بودن این گونه حیوانات را بیان میکند، و هم جنین آنها را، و اگر حکم این گونه حیوانات در سابق نیز معلوم بوده در اینجا به عنوان مقدمه ای برای استثنائات بعد تکرار شده است .

از آنچه در تفسیر این جمله گفتیم روشن شد که ارتباط این حکم با اصل کلی لزوم وفای به عهد از این نظر است که این اصل کلی ، احکام الهی را که یکنوع پیمان خدا با بندگان است مورد تاکید قرار میدهد، سپس بدنبال آن تعدادی از احکام بیان شده که حلال بودن گوشت پاره‌های از حیوانات و حرام بودن گوشت پاره ای دیگر یکی از آنها محسوب می شود.

سپس در ذیل آیه دو مورد را از حکم حلال بودن گوشت چهار پایان استثناء کرده ، می فرماید: به استثنای گوشتهائی که تحریم آن بزودی برای شما بیان می شود (الا ما یتلی علیکم).

و به استثنای حال احرام (برای انجام مناسک حج یا انجام مناسک عمره که در این حال صید کردن حرام است) (غیر محلی الصید و انتم حرم).

و در پایان می فرماید: خداوند هر حکمی را بخواهد صادر میکند یعنی چون آگاه از همه چیز و مالک همه چیز می باشد هر حکمی را که بصلاح و مصلحت بندگان باشد و حکمت اقتضا کند تشریح می نماید (ان الله یحکم ما یرید).